

انتخابات پاکستان و توقعات بیجای کرزی از نواز شریف

یکی از تازه ترین تحولات سیاسی در منطقه، تدویر پروسه انتخابات پارلمانی پاکستان و تعیین صدراعظم جدید در آن کشور بود که به روز دوازدهم ماه می امسال صورت پذیرفت. باسناد گزارشها از پاکستان، نواز شریف رهبر حزب مسلم لیگ (جناح نواز) با بدست آوردن اکثریت کرسی های پارلمانی در این انتخابات، بعنوان صدراعظم آینده پاکستان و حزب مسلم لیگ، بحیث حزب حاکم شناخته شد.

گفته شد که حزب انصاف یا " تحریک انصاف " به رهبری عمران خان کرکت بازسابق آن کشور، در درجه دوم پس از نواز شریف قرار گرفته است که به این حساب، حزب مردم پاکستان به رهبری آصف علی زرداری، از قدرت فرو افتاد، هرچند که چند کرسی در ایالت سند و جا های دیگر بدست آورد.

حال، سوال اساسی ای که مطرح میشود، اینست که این جابجایی های سیاسی یا این تغییر حکومت میتواند تغییر قابل ملاحظه ای در سیاست و پالیسی مقام های پاکستانی در قبال افغانستان وارد آورد؟

هرچند پیرامون موضوع مربوط به حکومت های انتخابی و سرنوشت آنها، و نیز تمرکز قدرت اصلی که در کف جنرالان قدرتمند نظامی پاکستان قرار دارد، در گذشته ها نیز سخن

گفته ایم، با آنها، یکبار دیگر باید گفت که چون پاکستان نطفه‌نا مشروع استعمار انگلیس در منطقه می‌باشد، بنابراین، ناگزیر با پیروی از مادر استعماری اش، یکسلسله قوانین و اقدامات ظاهراً دموکراتیک مانند برگزاری انتخابات پارلمانی، موجودیت نهاد های سیاسی، رسانه های نسبتاً آزاد در چهارچوب حکومت های آن کشور به چشم می‌خورند. اما باید پذیرفت که در عین حال، نظامیان پاکستانی که از روز اول تقسیم شبه قاره هند و تولد نا میمون آن کشور، رشته های قدرت اصلی را در دست گرفتند، تا امروز که حدود شصت و پنج سال از آن سپری میشود، همچنان قدرتمند و همه کاره آن کشور بوده هر حکومتی که ولو در اثر انتخابات عمومی به صحنه آمده باشد، محکوم بدان است تا هم از اهرم قدرت که همان سران ارتش، بخصوص شبکه جهمی (آی. اس. آی) است، بترسد و هم، در بخش سیاست خارجی و تصامیم مهم ملی باید از آنها دستور بگیرد، در غیر آن، با جان و حیثیت و سرنوشت خویش بازی خواهد نمود. بهمین دلیل است که دموکراسی پاکستان را بی پایه و بی مایه و متزلزل می‌خوانند.

بنابراین، نواز شریف که اینک، برای سومین بار به کرسی صدارت پاکستان تکیه میزند، علی رغم وعده هایی که شاید قبل از انتخابات برای شهروندان و رای دهنده گان پاکستانی داده باشد، مسلماً موفق نخواهد شد به همه وعده هایش جامه عمل بپوشاند. به اعتقاد ما، تنها در مورد صلح و آشتی با طالبان پاکستانی که از آن با خوشبینی یاد کرده است، شاید بتواند به دست آورد های نسبی، آنها تنها به سود منافع پاکستان و نظامیان آن کشور نایل آید؛ زیرا، این همان پروسه یی است که نظامیان فریبکار پاکستان آنها را می‌خواهند و از قبل در آن دخیل هستند.

بنابراین، هرگاه حکومت جدید پاکستان به رهبری نواز شریف بتواند در آینده، با طالبان پاکستانی، آنها به همکاری آی. اس. آی و نظامیان بلند پایه آن کشور کنار آید، بدون تردید، خواست باطنی جنرالان کین توز پاکستانی را نیز با اینکار، بر آورده خواهد ساخت؛ زیرا در آن صورت، طالبان وسایر گروه های تروریستی آنسوی خط دیورند که بخشهای

عمده آنها تحت کنترل و حمایت آی. اس. آی میباشند، با فراغ خاطر میتوانند علیه هند و افغانستان بکار انداخته شوند. ولی باید مطمئن بود که نوازشریف و هر رهبر دیگری، ولو چند ملیون رای دهنده در عقبش ایستاده باشند، تا زمانیکه نظامیان غدار آن کشور ستراتیژی سیاسی - نظامی شان را در قبال افغانستان تغییر نداده اند، هرگز قادر نخواهد شد راجع به گروه طالبان ایدئولوژیک (شدیداً بنیاد گرای وهابی)، پاکستان پرور و تبهکار اینسوی خط دیورند، تصمیمی به سود صلح و آرامش خطه جنگزده افغانستان اتخاذ نماید.

حامد کرزی، به سلسله ندانم کاریها و تملق گویی های همیشه گی اش در برابر مقام های ظلمت گستر پاکستانی، به مجردی که پیروزی نوازشریف در انتخابات اخیر اعلام گردید، با شتابی تمام، پیام تبریک و تهنیت به او فرستاد و جالب این بود که از وی خواست تا در قسمت تأمین صلح در افغانستان همکاری نماید، درحالیکه آیا همین نوازشریف بمتابۀ صدراعظم انتخابی پاکستان نبود که بخاطر یک حرکت ظاهراً ضد جنرال مشرف، یک شب در میان، هم از اریکه قدرت به پایین کشانده شد، هم شکنجه و تحقیر بی مانند را تحمل کرد و هم از کشورش به قلمرو عربستان سعودی تبعید گردید؟ پس آیا در قدرت، صلابت، سیاست و موقعیت جنرالهای ارتش پاکستان تغییری نسبت به آنزمان وارد آمده است؟

آیا نوازشریف و حزبش از پیکر سیاسی و اندیشه های ضد افغانی نظام دولت پاکستان جدا نفس میکشد؟ آیا او همان کسی نیست که حکومت مجاهدین را مطابق خواست و میل اربابان عربی و انگلیسی اش در پشاور سرهم بندی نموده بحیث بازیچه دست خویش بکابل فرستاد؟ آیا او خطاب به حریفان سیاسی اش، با طمطراق زاید الوصفی نگفت که افتخار در هم ریزی ارتش قوی و منظم افغانستان را دارد؟ اخیراً ملاحظه شد که هنوز خسته گیهای انتخاباتی نواز شریف رفع نشده بود که وزارت امور خارجه آن کشور در برابر سفر کرزی به کشور دوست (هندوستان)، اعتراض رسمی، جدی و مداخله گرانه را انجام داد. درحالیکه از رهگذر حقوق بین الدول و تعاملات کشور داری، هیچ رژیم حق ندارد در قبال برقراری مناسبات سیاسی، حقوقی، تجاری،

فرهنگی و حتا نظامی رژیم های مستقل دیگر، چنین اعتراض آنهم شدید الحن و حاکمانه انجام دهد.

باید گفت که هرگاه افغانستان دارای یک دولت مردمی، مستقل و با درایت می بود، حتماً پاسخ متقابل، قاطعانه و دیپلماتیک به جانب حکومت پاکستان ارائه کرده از آنها می پرسید آیا وقتی شما با هر نوع رژیم و یا حکومت درجهان مناسبات برقرار میکنید، از دولت افغانستان و سایر حکومت ها می پرسید؟ آیا حکومت افغانستان گاهی در برابر اقدامات و تصمیم های سیاسی وحتا نظامی حکومت پاکستان با رژیم های افراطی عربی و عجمی اعتراض بعمل آورده است؟

پس، هم تقاضای رییس جمهور افغانستان از نوازشریف بیجا و بیمورد است و هم هر نوع انتظار داشتن از اودرجهت نیک نیتی برای افغانستان، دور ازواقعیت های موجود میباشد.

به اعتقاد ما، بهتر و ضروری تر آنست تا بیشتر از این در شناخت ودرک دوست حقیقی و دشمن واقعی خویش، بخصوص وقتی پای منافع ملی و سرنوشت کشور غمزده یی بنام افغانستان مطرح میشود، تغافل و تعلل نکنیم. (پایان)